

علم أصول الفقه

۵۲

۱-۱۲-۹۰ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- پیامبر ادعا می‌کند که مطالبی از سوی خداوند متعال به او وحی می‌شود. ممکن است بخشی از آنچه ادعا می‌کند، توسط عقل بشری یا به قوه‌ی حس (و به طور کلی علوم بشری) قابل ادراک باشد، اما مسلماً بخشی از سخنان او برای یک انسان عادی قابل درک نیست. مردم نه می‌توانند ادعای او را در این موارد اثبات کنند و نه می‌توانند آن را نفی نمایند. چه اگر قادر به اثبات یا نفی ادعای او بودند، بین او که پیامبر است و دیگرانی که از وحی بی‌بهره‌اند، تفاوتی وجود نداشت.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- تنها چیزی که باعث می شود مردم ادعای پیامبر خویش را بپذیرند و آن را سخن خداوند تلقی کنند، وثوق و اعتمادی است که به او دارند. اگر مردم به پیامبر اعتماد نداشته باشند، حتی با فرض صحت ادعایش، به سخنانش گوش نمی دهند و به دستوراتش عمل نمی کنند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- بنابراین حتی اگر بپذیریم که خداوند می‌تواند به قدرت قاهر خویش و معجزه‌وار، یک انسان مشهور به فسق و فجور را در تلقی و ابلاغ وحی معصوم قرار دهد و بپذیریم که این انسان با عصمت اکتسابی خویش در زمینه‌ی تلقی و ابلاغ وحی می‌تواند مطالب وحی را همان گونه که هست به مردم ابلاغ کند، اما مسلماً نمی‌توان پذیرفت که او در انجام مأموریت خویش موفق است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- چرا که او فقط در تلقی و ابلاغ معصوم است و در سایر امور گرفتار عصیان و نسیان و خطا می‌شود. مردم به چنین کسی اعتماد نمی‌کنند، به سخنان او گوش جان نمی‌سپارند و حتی ممکن است او را مورد طعنه قرار دهند که «خداوند را با تو چه کار»، «فقط مانده بود که خداوند تو را به پیامبری خویش برگزیند».

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- مسلماً برای این که رسالت پیامبر تحقق یابد، حکمت خداوند اقتضا می‌کند کسی به پیامبری مبعوث شود که مورد اعتماد مردم باشد. از سوی دیگر چون او ادعایی را مطرح می‌کند که لااقل بخشی از آن، قابل اثبات و نفی برای مردم نیست، این سطح از اعتماد باید در مرتبه‌ی بالایی قرار داشته باشد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- توضیح آن که اعتماد و وثوق سطوح متفاوتی دارد و مردم در امور روزمره‌ی خویش و به تناسب نیازهایشان به افراد مختلف مراجعه می‌کنند که مورد اعتماد آنها است. مثلاً برای تعمیر دستگاه خویش به افرادی مراجعه می‌کنند که از یک سو متخصص و از سوی دیگر در قبال کار خویش متعهدند. آنها رجوع به فردی را که تخصص ندارد یا متعهد نیست (یعنی موجب تخریب بیشتر دستگاهشان می‌شود)، مذموم می‌شمارند و مراجعه کننده را تقبیح می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر تا تخصص و تعهد تعمیر کننده را احراز نکنند به او مراجعه نمی‌نمایند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- عقلا در این موارد بیش از این سطح از اعتماد را لازم نمی‌دانند، به خصوص با توجه به این که تشخیص میزان تخصص و تعهد وی به راحتی ممکن است. اما سطح و ثوقی که عقلا نسبت به پیامبر توقع دارند، خیلی با سطح و ثوق به حتی متخصصان عادی متفاوت است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- همچنان که سطح وثوق آنان به علمای دین نیز با سطح اعتماد به علمای طب، یا علمای فیزیک یا... تفاوت دارد. آن اعتمادی را که نسبت به پیامبر (یا حتی نسبت به علمای دین) لازم می‌بینند، در موارد دیگر لازم نمی‌دانند. اما واقعاً چه موقع عقلاً به پیامبر اعتماد می‌کنند؟

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- عقلا وقتی به پیامبر اعتماد می‌کنند که او را در زندگی عادی - یعنی در اموری که می‌توانند تشخیص دهند - عاری از خطا و عصیان و نسیان بینند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- وقتی کسی در زندگی روزمره‌ی خویش که از دسترس عقلا خارج نیست و برای آنها قابل تشخیص است، دچار عصیان و خطا یا لااقل دچار نسیان شود، چگونه می‌تواند اعتماد مردم را در صحت ادعاهایی که از دسترس عقلا خارج است، جلب نماید؟ وقتی سخنی را که می‌شنود، در جای دیگر به خطا یا عمد اشتباه نقل می‌کند و مردم اشتباه او را مشاهده می‌کنند، چگونه می‌تواند صحت ادعای خویش را در مواردی که مردم نمی‌توانند تشخیص دهند، ثابت کند؟ از کجا معلوم که در این موارد نیز دچار خطا و نسیان نشده باشد؟

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- به عبارت دیگر، عقلا بین عصمت در تلقی و ابلاغ وحی و عصمت در سایر رفتارها و گفتارها تلازم می بینند. اگر پیامبر در سایر رفتارها معصوم نباشد، او را در تلقی و ابلاغ وحی نیز معصوم نمی دانند و این تلازم عقلایی با مراجعه به وجدان عقلایی، واضح و روشن است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- با توجه به این مقدمه، از آنجا که خداوند تنها از راه ارسال رسل یعنی از طریق افراد مبرا از عصیان و خطا و نسیان می‌تواند پیام خویش را به مردم برساند و حقایق را برای آنها بیان نماید، پس حکمتش اقتضا می‌کند که پیامبرش نه تنها در تلقی و ابلاغ وحی، بلکه در سایر امور و شؤون زندگی، معصوم از عصیان، خطا و نسیان باشد تا با جلب اعتماد مردم به انجام مسئولیت عظیم رسالت پردازد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- کسی که ادعا کند پیامبر است و مردم را به خواندن نماز و گرفتن روزه و... دعوت کند و خودش نماز نخواند، روزه نگیرد و...، مورد سرزنش مردم قرار می‌گیرد و نه تنها به سخنانش گوش نمی‌دهند، بلکه ادعای او را تخطئه می‌کنند. یقیناً برگزیدن چنین فردی به پیامبری امری حکیمانه نیست و از استحکام و استواری برخوردار نمی‌باشد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- در مورد این استدلال به مطالبی چند نیز باید اشاره کنیم:

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اولاً: دلیل حکمت به اختیاری بودن عصمت یا عدم آن کاری ندارد و نسبت به آن ساکت است. چه عصمت امری اختیاری باشد (یعنی فرد معصوم کسی باشد که می‌تواند گناه کند اما نمی‌کند) و چه عصمت امری جبری باشد (یعنی فرد معصوم کسی باشد که اصلاً نمی‌تواند گناه کند)، در این که خداوند برای رساندن حقایق باید افراد معصوم را بفرستد، فرقی نمی‌کند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اگر عصمت را امری اختیاری بدانیم، خداوند باید پیامبران خویش را از بین کسانی که به اختیار خودشان معصومند، برگزیند و اگر عصمت را امری جبری تلقی کنیم، باید خداوند به جبر الهی خویش، فرد معصومی را خلق و سپس او را به پیامبری برگزیند.
- اگر در برهه‌ای از زمان فرد معصومی وجود ندارد یا امکان خلق فرد معصوم مهیا نیست، خداوند هم نمی‌تواند در آن مدت، پیامبری را بین مردم بفرستد. زیرا مسلماً استفاده از فاسقان و فاجران، هدف مورد نظر را تأمین نخواهد کرد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- ثانیاً: استدلال متکلمان از دو مقدمه تشکیل می‌شود که یکی از آنها عقلایی و دیگری عقلی است.
- مقدمه‌ی عقلایی همان تلازم عقلایی است که در ابتدای بحث ذکر کردیم. عقلاً بین عصمت در بعضی شؤون زندگی و عصمت در سایر شؤون تلازم می‌بینند. از این رو، کسی را در تلقی و ابلاغ وحی معصوم می‌دانند که در سایر شؤون زندگی خویش معصوم باشد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- مقدمه‌ی عقلی در این استدلال نیز همان است که به کرات در طول بحث‌ها مورد اشاره قرار گرفت و آن عبارت است از این که غرض از بعثت انبیا جز به ارسال نبی معصوم حاصل نمی‌شود.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اما مقدمه‌ی اول عقلایی است از آن جهت که اگر ما باشیم و عقل (با قطع نظر از دقتی که در استدلال فلاسفه ذکر خواهیم کرد)، عقل محال نمی‌داند که یک نفر در ابلاغ و دریافت وحی معصوم باشد؛ اما در سایر امور نه تنها از خطا و نسیان مبرا نباشد، بلکه گرفتار عصیان نیز بشود. بنابراین استحاله‌ای ندارد که یک نفر فاسق و فاجر در دریافت و تلقی و ابلاغ وحی معصوم باشد، اما خود به دستوراتی که ابلاغ می‌کند، گردن ننهد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- ثالثاً: اگر شخصی ادعای پیامبری کند و معجزه ای نشان دهد و مردم به پیامبری او اعتقاد پیدا کنند، بر اساس این استدلال کافی است بعد از این در رفتار او خطا و نسیانی مشاهده نکنند و لازم نیست قبل از این چنین وضعیتی داشته باشد.
- البته این استدلال شامل امور عادی مانند امور دینی می شود.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- رابعا: نهایت چیزی که استدلال متکلمان می تواند اثبات کند، عصمت نبی از خطا و عصیان و نسیان در آشکار است. زیرا بنا بر آن تلازم عقلایی، عقلا به فردی اعتماد می کنند که از او خطا، نسیان یا عصیانی مشاهده نکنند و چنین امری با عصمت نبی در جلوت حاصل می شود و ضرورتی ندارد که نبی در خلوت خویش - آنجا که اعمال وی در مرئی و منظر عقلا نیست - از خطا و عصیان و نسیان معصوم باشد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- واضح است این مطلب از منظر عقل مورد بررسی قرار گرفته است، نه از منظر عقلا. به حکم عقل این اعتماد در صورتی که عقلا هیچ نحوه خطا و نسیان و عصیانی از شخص مشاهده نکنند، حاصل می شود؛ اگرچه شخص در خلوت خود چنین نباشد. همین قدر کافی است که عقلا از خلوت وی بی اطلاع باشند. اما با یک دید عقلایی اگر عقلا بدانند یا احتمال دهند که این شخص در خلوت خویش معصوم نیست و گرفتار خطا، عصیان یا نسیان می شود، باز اعتمادشان از او سلب می شود و به جلوت او هم اعتماد نمی کنند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- حال با این منظر عقلی، اگر خداوند بخواهد فقط به اندازه‌ی مقتضیات عقلایی، پیامبر انتخاب نماید، حکمتش اقتضا می‌کند که پیامبرش در جلوت گرفتار عصیان و خطا و نسیان نشود و با همین مقدار غرض وی تأمین خواهد شد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- به خصوص بنا بر آن قول که عصمت را امری کاملاً جبری به حساب می‌آورد (و با ذوق بعضی متکلمان هم سازگار است) و کسی را معصوم می‌داند که خداوند او را حفظ کرده باشد - و العصمة لمن عصمه الله را همین گونه تفسیر می‌کند - ضرورت ندارد خداوند بیش از جلوت، فرد معصوم را حفظ کند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- خداوند می‌تواند در خلوت که از دسترس عقلا به دور است، فرد را به حال خود باقی بگذارد و فقط کاری کند که در بین مردم گرفتار خطا، نسیان یا عصیان نشود.
- بدین ترتیب این شخص چون در تلقی و ابلاغ معصوم است، پیام خداوند را بدون هیچ تغییر و تحولی به مردم می‌رساند و چون در آشکار و در مرئی و منظر مردم گرفتار گناه و خطایی نمی‌شود، مورد اعتماد مردم است و مردم به سخنانش اعتنا می‌کنند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- باز بر این نکته تأکید می‌ورزیم که ما الآن دلیل را از منظر عقلی ارزیابی می‌کنیم. بنابراین اگر می‌گوییم پیامبر بنا بر مقتضای دلیل ممکن است در خلوت خویش معصوم نباشد، به این معنا نیست که او ضرورتاً در خلوت خویش گرفتار عصیان و خطا و نسیان می‌شود.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- به عبارت دیگر دلیل نمی‌تواند عصمت نبی را در خلوت اثبات کند؛ همان طور که نمی‌تواند عصمت او را در خلوت نفی نماید. دلیل فقط می‌تواند عصمت در جلوت را ثابت کند و نسبت به خلوت ساکت است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- از سوی دیگر معنای امکان عدم عصمت در خلوت این نیست که فعل واجب و ترک حرام در خلوت بر پیامبر لازم نیست. او بر طبق دستوی که از سوی خداوند دریافت داشته، همچون دیگران، در خلوت نیز باید بر طبق دستورات الهی رفتار نماید.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اینجا سخن در این است که عدم انجام وظیفه در خلوت، با حکمت ارسال رسل منافات پیدا نمی‌کند. چرا که خداوند می‌بایست کسی را می‌فرستاد که در تلقی و ابلاغ معصوم باشد - بنا بر فرض این شخص چنین است - و باید کسی را می‌فرستاد که مورد اعتماد مردم باشد - بنا بر فرض این هم حاصل است - ، اما دلیل بیش از این را اقتضا نمی‌کند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اگر حکمت اقتضا می‌کرد که وی باید مطلقاً معصوم باشد، خوب این فقط منحصر در وی نبود؛ همه‌ی مردم باید معصوم می‌بودند و دیگر لازم نبود خداوند پیامبران را بفرستد تا مردم را به راه راست هدایت کند. حال آن که سنت الهی نه اقتضا دارد که همه معصوم باشند و نه اقتضا دارد که به همه مستقیماً وحی شود.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- قول جبری بودن عصمت با ذوق برخی متکلمان سازگار است.

منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- و إليك توضيح هذا الدليل العقلي: إنَّ الخطأ في غير أمر الدين و تلقى الوحي يتصور على وجهين:
- أ. الخطأ في تطبيق الشريعة كالسهو في الصلاة أو في إجراء الحدود.
- ب. الاشتباه في الأمور العادية المعدة للحياة كما إذا استقرض ألف دينار، و ظن أنه استقرض مائة دينار.

منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- و الحقّ أنّه مصون من الاشتباه و السهو في كلا الموردين، و ذلك لأنّ الغاية المتوخاة من بعث الأنبياء هي هدايتهم إلى طريق السعادة، و لا تحصل تلك الغاية إلّا بكسب اعتماد الناس على صحة ما يقوله النبي و ما يحكيه عن جانب الوحي، و هذا هو الأساس لحصول الغاية، و من المعلوم أنّه لو سها النبي و اشتبه عليه الأمر في المجالين الأوّلين ربّما تسرب الشك إلى أذهان الناس، و أنّه هل يسهو أيضاً في ما يحكيه من الأمر و النهي الإلهي أم لا؟

منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- فبأي دليل أنه لا يخطأ في هذا الجانب مع أنه يسهو في المجالين الآخرين؟! و هذا الشعور إذا تغلغل في أذهان الناس سوف يسلب اعتماد الناس على النبي، و بالتالي تنتفي النتيجة المطلوبة من بعثه.
- نعم، التفكيك بين صيانته في مجال الوحي و صيانته في سائر الأمور و إن كان أمراً ممكناً عقلاً، و لكنه ممكن بالنسبة إلى عقول الناضجين في الأبحاث الكلامية و نحوها، و أمّا العامّة و رعايا الناس الذين يشكّلون أغلبية المجتمع، فهم غير قادرين على التفكيك بين تينك المرحلتين، بل يجعلون السهو في إحداهما دليلاً على إمكان تسرب السهو إلى المرحلة الأخرى.

منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- و لأجل سدّ هذا الباب، المنافي للغاية المطلوبة من إرسال الرسل، ينبغي أن يكون النبي مصوناً في عامّة المراحل، سواء أكانت في حقل الوحي أو في تطبيق الشريعة أو في الأمور العاديّة،

منطق العقل في عصمة النبي عن الخطأ

- و لهذا يقول الذكر الحكيم في حقّ المسيح: (وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ*)
«١»
- و الإمام الصادق - عليه السّلام - : «جعل مع النبي روح القدس و هي لا تنام و لا تغفل و لا تلهو و لا تسهو». «٢»
- و على ذلك فيما أنّه ينبغي أن يكون النبي اسوة في الحياة في عامة المجالات يجب أن يكون نزيهاً عن العصيان أو لا الخلاف و السهو و الخطأ ثانياً.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- ب. دلیل فلاسفه:
- اساس استدلال فلاسفه با اساس استدلال متکلمان یکی است و منطق استدلالشان با منطق استدلال متکلمان فرقی ندارد. یعنی آنها هم این تلازم را می‌پذیرند که بین بعضی شؤون زندگی و سایر شؤون در عصمت ملازمه است و قبول دارند که ابلاغ وحی جز از طریق معصوم حاصل نمی‌شود.
- اما فرق استدلالشان با استدلال متکلمان در این است که تلازم را عقلی می‌دانند نه عقلایی. بنابراین هر دو مقدمه‌ای که در استدلالشان به کار می‌گیرند، عقلی است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اساس استدلال چنین است: خداوند باید کسی را به پیامبر برگزیند که در تلقی و ابلاغ وحی معصوم از خطا و نسیان و عصیان باشد (یعنی به تمام معنا معصوم باشد و نه فقط از عصیان) و کسی که در بعضی شؤون یعنی تلقی و ابلاغ معصوم است، در سایر شؤون نیز معصوم می باشد.
- در نتیجه با این استدلال عصمت پیامبران در تمامی شؤون ثابت می گردد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- متکلمان مقدمه‌ی دوم این استدلال را به گونه‌ای عقلایی تقریر می‌کنند، حال آن که در نظر فلاسفه این مقدمه، عقلی است. فلاسفه کاری به عقلا ندارند و سخنی از اعتماد آنها به میان نمی‌آورند؛ اما در عین حال قضاوت متکلمان را در مورد تلازم بین بعضی شؤون و سایر شؤون، تأیید می‌کنند.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- در نظر آنان این فقط یک احتمال ابتدایی است که یک فاسق و فاجر می‌تواند در تلقی و ابلاغ معصوم و در سایر شؤون زندگی مبتلا به عصیان و خطا و نسیان باشد.
- دقت عقلی این احتمال بی پایه را منتفی می‌سازد و حکم می‌کند که اگر کسی در شأنی از شؤون زندگی معصوم است، حتماً می‌بایست در سایر شؤون نیز از صفت عصمت برخوردار باشد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- فلاسفه ادعای خویش را با تحلیل حقیقت وجود (یعنی تحلیل اصل حقیقت) اثبات می نمایند. حاصل آن تحلیل به شرح زیر است:

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- فلسفه از امور حقیقی سخن می گوید و هدفش جدا ساختن حقایق از حقیقت نماها و امور باطل است.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- تمام چیزهایی که در اطراف ما موجودند با تمام تفاداتهایی که دارند، در اصل واقعیت وجود مشترکند. یکی از تفاوت‌های آنها، ماهیت آنها است که خود یک امر عدمی است و عدم موجود نیست. حیثیت یک درخت، حیثیت یک گوسفند، حیثیت یک کوه و... — یعنی آن حیثیتی که آن را فارغ از وجود می‌شماریم — اصلاً وجود ندارد.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- وجود حقیقتی دارای مراتب است که پر از واقعیت است و اصلاً جای خالی ندارد؛ «عدم» نیست.

دلیل عقلی بر عصمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

- اگر خصوصیتی در مراتب بالا وجود دارد، در تمام مراتب پایین تر به صورت ضعیف تر جلوه کرده است.